



سعید جمشیدی فرد

ارتقای شفافیت در زنجیره‌ی گزارشگری مالی از راه تعامل و تشکل

همچنین دیگر حلقه‌ی مهم در زنجیره‌ی گزارشگری مالی بنگاه‌های عمومی حسابرسی داخلی است. این حلقه از زنجیره‌ی گزارشگری مالی با ایفای نقش اطمینان‌دهی و مشاوره‌ای، ارزش‌آفرینی، شناخت مسایل و ریسک‌های شرکت، آگاهی از کنترل نسبت به ریسک، کمک به استقرار نظام خودکنترلی در واحدها و مجموعه‌ی متنوعی از کارکردها عملکرد وظایف و نحوه‌ی انجام آن در واحدهای مختلف کاری را بررسی و ارزیابی می‌کند.

روشن است که وقتی نظام گزارشگری مالی شرکت از کارشناسانی شایسته و نظام‌های کنترل داخلی مطلوب برخوردار باشد، وظیفه‌ی حسابرسان به‌عنوان حلقه‌ی نهایی این زنجیره به‌نحو بهتر و مطلوب‌تری می‌تواند انجام شود و به تبع آن نهاد یا نهادهای ناظر نیز به هدف‌های خود برای ارتقای انضباط و شفافیت مالی با سهولت بیش‌تری دست می‌یابند. از همین روست، که به‌عنوان مثال سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی به‌عنوان دو نهاد ناظر بر بازار سرمایه و بازار پول در سال‌های اخیر علاوه بر وظایف عام نظارتی خود، در خصوص ایجاد نظام‌های کنترل‌های داخلی در ناشران اوراق بهادار و نیز مؤسسات مالی - اعتباری دستورالعمل‌های متعددی منتشر کرده‌اند.

اما نکته‌ی قابل تأمل آن است که در چه شرایطی امکان رعایت مطلوب این دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها وجود دارد. به گمان من، یکی از موضوعات مهمی که باید موردتوجه سیاست‌گذاران در عرصه‌ی نظارت قرار داشته باشد، اهمیت تشکل‌های حرفه‌ای در بهبود عملکرد در بخش‌های مختلف گزارشگری مالی است. به‌عنوان مثال در صورتی که تشکل حرفه‌ای مدیران مالی با جایگاه بایسته وجود داشته باشد که مدیران مالی برای تصدی امر مدیریت مالی در بنگاه‌های عمومی ناگزیر به عضویت در آن باشند و عضویت در آن نیز مستلزم مقدماتی مانند آزمون تخصصی، وجود ضمانت اجرای و ضرورت پاسخگوی نسبت به عملکرد حرفه‌ای و مهم‌تر از آن استمرار عضویت و برقراری صلاحیت از مسیری چون گذراندن دوره‌های آموزشی مستمر باشد بسیاری از اهداف نهادهای ناظر پیشاپیش تحقق یافته است. همین نکته به‌خوبی در مورد حسابرسی داخلی و کنترل‌های داخلی حاکم است.

ارتقای تشکل‌های موجود به نهادهایی با جایگاه قانونی در نظام نظارت مالی در ایران خودانتظامی مؤثر را در بخش‌های مختلف را حرفه گسترش می‌دهد، از بار بوروکراتیک بالقوه در نهادهای ناظر می‌کاهد و فشار غیر منطقی و انتساب ناروای ایرادات به حسابرسان را تعدیل می‌کند در عین حال که به تحقق هدف‌های نظارتی یاری می‌کند و در نهایت مشارکت اعضای این تشکل‌ها در سرنوشت حرفه‌ای خود، تکمیل ماهوی زنجیره کیفیت و تقویت نهادهای جامعه‌ی مدنی را به دنبال دارد که به توسعه‌ی عمومی کشور یاری می‌کند.

به یمن حضور شبکه‌های اجتماعی سرعت اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی بسیار افزایش یافته است. ولو آن‌که ضرورتاً مطالب منتشره از کیفیت مطلوب برخوردار نباشد و علاوه بر آن تمامی موضوعات و نیز با تمامی ظرایف و جزئیات کم‌تر در شبکه‌های اجتماعی منعکس نشود. باین‌همه، علاوه بر شبکه‌های اجتماعی نیاز داریم به شکل وسیعی تشکل‌های واقعی برای تبادل نظر و همراهی و ارتباط مؤثر میان فعالان حرفه‌ای ایجاد کنیم و یا عملکرد تشکل‌های موجود را بهبود بخشیم.

یکی از موضوعات محوری موضوع بحث به‌ویژه در ماه‌های اخیر «تهاد ناظر بر حرفه‌ی حسابرسی» در ایران بوده و در شماره‌ی کنونی فصلنامه نیز مقالات متعددی به آن اختصاص یافته است. در بحث حاضر می‌کوشم به‌اختصار نشان بدهم که چه‌گونه تشکل‌یابی فعالان حرفه‌ای در تک‌تک حلقه‌های زنجیره‌ی گزارشگری مالی می‌تواند به اهدافی مانند افزایش کیفیت خدمات حرفه‌ای، شفافیت اطلاعات مالی و اقتصادی بنگاه‌ها، افزایش پاسخ‌گویی، بهبود فضای کسب‌وکار در حرفه‌ی حسابرسی، حفظ و افزایش اعتماد عموم و رفع تعارض منافع در نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی، و تقویت و ارتقای نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی یاری کند.

چنان که پیش‌تر نیز بحث شده بود معتقدیم که حسابرسی آخرین حلقه از زنجیره‌ی گزارشگری مالی است که در آن تلاش می‌شود صورت‌های مالی اعتباربخشی شود. اما اهمیت این حلقه در امر اعتباربخشی به صورت‌های مالی و ایجاد شفافیت اطلاعات مالی و اقتصادی بنگاه‌ها نباید مانع از توجه به حلقه‌های پیشین و محیط پیرامونی عملکرد حسابرسی و حسابرسان بشود. حسابرسان ارشد و مدیران مالی نقش اصلی را در تهیه‌ی صورت‌های مالی دارند. اما چه ضوابطی بر انتخاب این گروه در سمت‌های ارشد مدیریتی به‌ویژه در بنگاه‌های عمومی باید وجود داشته باشد و آیا مراجع و مقامات ناظر به همان اندازه که حسابرسان مورد توجه شان است به نقش کمیته‌های حسابرسی، مدیران مالی و حسابرسان داخلی حساسیت نشان می‌دهند؟ طبعاً و براساس قانون این هیأت‌مدیره و مدیران اجرایی بنگاه‌ها هستند که در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنند و عقل سلیم common sense نیز حاکی از آن است که چنین تصمیمی اصولاً بر مبنای برخی شاخص‌های کارشناسی و تخصصی صورت می‌پذیرد؛ شاخص‌هایی همچون تحصیلات مرتبط، سوابق کاری، تجربه در صنعت و مانند آن.

اما وقتی صحبت از یک بنگاه عمومی می‌شود پای منافع عمومی به میان می‌آید و انبوه ذی‌نفعانی که از فعالیت بنگاه تأثیر می‌پذیرند. در چنین شرایطی مجموعه قیود و ضمانت‌های اجرایی باید بر انتخاب و استمرار فعالیت این کارورزان زنجیره‌ی گزارشگری مالی وجود داشته باشد.